

تأمین مالی اسلامی؛ خلق ارزش



تحولات دهه اخیر

کتاب حبيب نیکبخت

مقدمه

محیط رقابتی برای خدمات مالی در مناطق موسوم به **اس‌ای‌ای‌ام‌بی** (SAAAME) شامل امریکای جنوبی، آفریقا، آسیا، و خاورمیانه، به دلیل رشد فزاینده این مناطق و افزایش تجارت بین منطقه‌ای، به شدت دستخوش تغییر شده است. این اعتقاد وجود دارد که روش تأمین مالی اسلامی، هم‌اینک جایگاه دلخواه خود را برای بهره‌مندی از فرصت‌های پیش آمده در این کشورها پیدا کرده تا به نحو شایسته‌ای از این موقعیت استفاده کند؛ به‌ویژه این که تحلیل‌های انجام‌شده بیانگر این واقعیت هستند که تا سال ۲۰۳۰ میلادی، بیش از ۹۵ درصد از کل جمعیت مسلمان جهان در دو قاره آسیا و آفریقا ساکن خواهند شد.

به نظر می‌رسد دوران گمانه‌زنی‌های قبلی درباره روش تأمین مالی اسلامی به سر آمده و قدرت‌های بزرگ نیز این پیام اطمینان‌بخش را می‌دهند که روش تأمین مالی اسلامی قصد ماندگاری همراه با آهنگ رشد در بازارهای پولی کشورهای اشاره‌شده را دارد تا پاسخگوی نیاز روبه‌رشد این کشورها به خدمات مالی اسلامی باشد. حال این پرسش کلیدی مطرح است که مؤسسه‌های مالی با چه سرعتی می‌توانند خود را برای ارائه خدمات مالی اسلامی مجهز و بسترهای لازم را فراهم سازند.

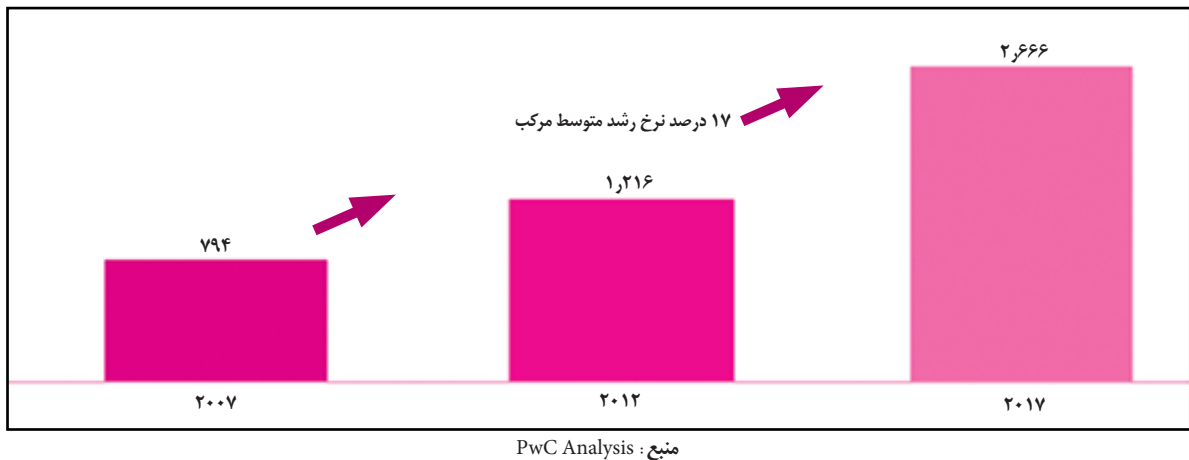
واقعیت این است که ایجاد پول و پول‌سازی در بازارهای به‌شدت رقابتی و نظارت‌شده امروزی، بسیار دشوار است و بانکهای اسلامی ناگزیرند در طرحهای پیشنهادی، بر ارائه خدمات و محصولات بانکی با محوریت و رویکرد مشتری‌مداری تمرکز بیشتری کنند. البته تحقق چنین امری تا حدودی چالش‌برانگیز است؛ زیرا بانکهای اسلامی ناچارند برای رقابت با بانکهای سنتی دو عامل تعیین‌کننده یعنی نوآوری در ارائه خدمات بانکی و مدیریت هزینه‌ها را سرلوحه برنامه‌های خود قرار دهند.

توسعه جهانی

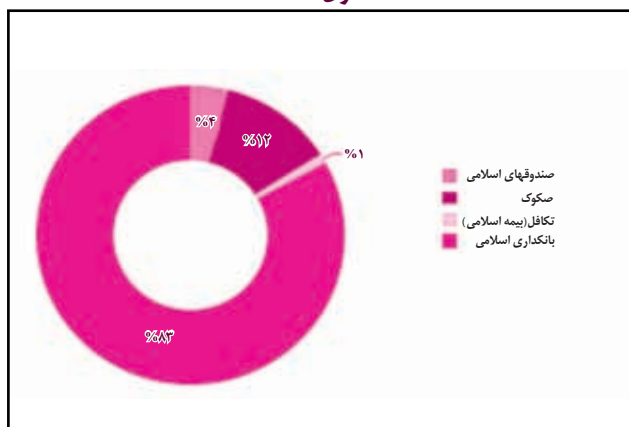
همانطور که در شکل‌های ۱، ۲ و ۳ نشان داده شده است، جمع داراییهای جهانی متعلق به مؤسسه‌های تأمین مالی اسلامی در حدود ۱/۲ هزار میلیارد دلار است و طی ۱۰

هم‌اینک حجم نقدینگی در گردش در بازار جهانی تأمین مالی اسلامی با برخورداری از نرخ رشد مرکب سالانه ۲۳ درصد به رقمی بیش از ۱/۲ هزار میلیارد دلار رسیده و انتظار می‌رود تا سال ۲۰۱۷ میلادی به ۲/۶ هزار میلیارد دلار افزایش یابد که بخش عمده آن مربوط به منطقه منا^۱ (MENA) و آسیا خواهد بود. اگرچه شماری از بانکهای اسلامی در ۵ سال گذشته به توفیقی دست یافته‌اند، ولی صنعت بانکداری اسلامی در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به‌طور میانگین از نرخ ۷ درصدی بازده حقوق صاحبان سهام نفع برده‌اند؛ درحالی‌که در طول همین دوره زمانی، نرخ بازده حقوق صاحبان در بانکهایی که به روش‌های معمول فعالیت می‌کنند، معادل ۱۴ درصد بوده است. این امر نشان می‌دهد که بانکهای اسلامی عملکرد ضعیف‌تری نسبت به بانکهای غیراسلامی داشته‌اند.

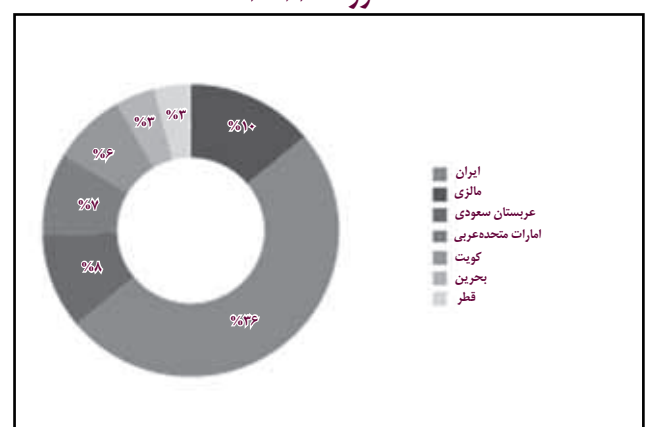
شکل ۱- رشد بازار تأمین مالی اسلامی به دلار آمریکا



شکل ۳- ترکیب داراییهای منطبق با اصول مالی شریعت برحسب محصول- ۲۰۱۲



شکل ۲- ترکیب داراییهای منطبق با اصول مالی شریعت در سطح کشورها- ۲۰۱۲



استصناع، و معرفی رهنمودهایی در خصوص عرضه صکوک در سال ۲۰۱۰ میلادی.

بریتانیا

- لغو مقررات مربوط به الزام به تمبر دوگانه برای دریافت وامهای رهنی اسلامی در سال ۲۰۰۳ میلادی،
- در سال ۲۰۱۰ میلادی، شهر لندن به عنوان پیشرو و دروازه جهانی تأمین مالی اسلامی، اولین اوراق صکوک دولتی را منتشر می‌کند، و هم‌زمان

• مرجع نظارت خدمات مالی (FSA) فعالیت بانکهای اسلامی در انگلستان را مورد تأیید قرار می‌دهد.

آلمان

- انتشار صکوک دولتی از سوی ایالت محلی ساکسونی آن‌هالت (Saxony-Anhalt)، و
- آغاز به کار فعالیت بانکداری اسلامی در سال ۲۰۱۰ میلادی.

کره جنوبی

- انتظار می‌رفت که پارلمان کشور، قانونی را در سال ۲۰۱۱ میلادی وضع کند که به موجب آن سرمایه‌گذاران از پرداخت مالیات بر درآمد بهره اوراق صکوک منتشرشده، معاف شوند.

ژاپن

- تصویب قانون در سال ۲۰۰۹ میلادی به منظور اجازه بانکها برای فعالیت در بخش تأمین مالی اسلامی، و
- ارائه پیشنهاد از سوی آژانس خدمات مالی ژاپن (JFSA) در سال ۲۰۱۱ میلادی مبنی بر اصلاح قوانین مالیاتی برای انتشار انواع اوراق اسلامی.

هنگ‌کنگ

- انتشار دیدگاه‌های نهایی دولت، پس از مشورت‌های انجام‌شده درباره مالیات صکوک با رویکرد فراهم‌ساختن چارچوبی برای مالیات اوراق قرضه اسلامی به قیمت اسمی در قیاس با اوراق قرضه منتشرشده از سوی دیگر مؤسسه‌های بانکی و پولی در سال ۲۰۱۲ میلادی، و
- معرفی صندوق شاخص اسلامی (Hang Seng Islamic China Index Fund) در سال ۲۰۰۷ میلادی.

سال گذشته، نرخ رشد متوسط مرکب سالانه آنها معادل ۱۷ درصد بوده است. اطلاعات ارائه‌شده نشان می‌دهد که منطقه خاورمیانه به‌طور سنتی بزرگترین بخش بازار تأمین مالی اسلامی را به خود اختصاص داده است. در ادامه به‌طور اجمالی به برخی از تحولات صورت‌گرفته در مؤسسه‌ها و نهادهای مالی اسلامی فعال در کشورهای مختلف جهان اشاره می‌شود.

کانادا

• بورس سهام تورنتو (TSX)، شاخص بازار مالی اسلامی^۲ را در سال ۲۰۰۹ میلادی گشایش و راه‌اندازی کرد، و

• گروه مالی یوام (UM Financial Group) به عنوان مؤسسه مالی اسلامی برتر کشور کانادا و عضو هیئت خدمات مالی اسلامی (IFSB) و سازمان حسابداری و حسابرسی نهادهای مالی اسلامی (AAOIFI) معرفی شد.

ایالات متحده آمریکا

• گشایش و راه‌اندازی شاخص بازار مالی اسلامی داو جونز (Dow Jones) در سال ۱۹۹۹ میلادی،

• صدور بخشنامه و رهنمود از سوی سازمان نظارت بر ارز (OCC) در ارتباط با ارائه محصولات رهنی به‌وسیله یونایتد بنک او کویت (United Bank of Kuwait) در سال ۱۹۹۹ میلادی، به عنوان محصولات تأمین مالی اسلامی مجاز برای عرضه از طریق بانکها، و

• ورود شرکتهای تأمین مالی رهنی، فردی مک (Freddie Mac) و فانی مای (Fannie Mae) به بازار تأمین مالی مسکن اسلامی در سال ۲۰۰۱ میلادی، منبع عظیمی از نقدینگی را روانه بازار محصولات تأمین مالی مسکن اسلامی ساخت.

فرانسه

- تصمیم بانک مرکزی فرانسه در سال ۲۰۰۹ میلادی برای صدور مجوز بانکداری اسلامی،
- انجام اصلاحات حقوقی و مالی برای عملیات تأمین مالی اسلامی در سال ۲۰۰۹ میلادی، مانند انتشار رهنمودهای مالیاتی در مورد معامله‌های صکوک، مباحثه، اجاره، و

سنگاپور

- تأسیس اولین بانک اسلامی با نام «بانک اسلامی آسیا» در سال ۲۰۰۷ میلادی،
- لغو مقررات مربوط به عوارض تمبر دوگانه در عملیات مالی اسلامی در سال ۲۰۰۵ میلادی، و
- راهاندازی صندوق مبادله‌های پولی اسلامی (ETF) در سال ۲۰۰۸ میلادی.

استرالیا

- راهاندازی اولین مؤسسه تأمین مالی اسلامی با نام «تعاونی جامعه اسلامی استرالیا با مسئولیت محدود» در سال ۱۹۸۹ میلادی، و
- تجدیدنظر در قوانین مالیاتی مربوط به تأمین مالی اسلامی از سوی «شورای مالیاتی» در سال ۲۰۱۰ میلادی.

مالزی

- تصویب قانون خاص در سال ۲۰۱۲ میلادی با هدف تعیین چارچوب قانونی جامع برای صنعت تأمین مالی اسلامی با عنوان «قانون خدمات مالی اسلامی ۲۰۱۲» که انتظار می‌رفت مفاد آن در سال ۲۰۱۳ میلادی در روزنامه رسمی کشور منتشر شود،
- میزبانی اجلاس «سازمان همکاری بین‌المللی مدیریت نقدینگی اسلامی». این سازمان در ماه اکتبر سال ۲۰۱۰ میلادی با موضوع صنعت تأمین مالی اسلامی و با هدف توسعه مبادله‌های پولی بین کشورها از طریق استفاده از ابزار منطبق با شریعت اسلام تأسیس شده است، و
- اتخاذ رویکرد دوسویه به منظور نظارت بر شیوه‌های کاربردی و انطباق فعالیت شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس با اصول مالی شریعت اسلامی، در ژوئن سال ۲۰۱۲ میلادی.

سنگال

- تصمیم دولت مبنی بر ورود به بازار در حال رشد تأمین مالی اسلامی از طریق انتشار اولین اوراق قرضه اسلامی دولتی در سال ۲۰۱۱ میلادی.

افریقای جنوبی

- وزیر دارایی در سال ۲۰۱۱ میلادی قانونی را اعلام می‌کند که به موجب آن، انتشار اوراق موسوم به صکوک منطبق با اصول

اسلامی، مجاز شمرده می‌شود.

اتیوپی

- در سال ۲۰۱۱، بانک در حال تأسیس زم‌زم (Zam Zam) به‌عنوان اولین بانک اسلامی کشور معرفی می‌شود.

اوگاندا

- رئیس بانک مرکزی اوگاندا در سال ۲۰۱۲ میلادی، اصلاحات پیشنهادی در مفاد قانون مصوب ۲۰۰۴ میلادی کشور در مورد فعالیت مؤسسه‌های مالی را اعلام می‌کند و براساس آن صدور مجوز و انجام عملیات مالی به‌وسیله نهادهای بانکی اسلامی در اوگاندا مجاز می‌شود.

کشورهای شمال افریقا

- در حال حاضر، بانک‌های اسلامی در کشورهای مصر، الجزایر، و تونس و نمایندگی‌های بانک‌های اسلامی در مصر، مراکش و الجزایر، مشغول انجام فعالیت‌های بانکی بر پایه اصول شریعت اسلامی هستند.

قطر

- بانک مرکزی قطر براساس حکم حکومتی صادرشده در سال ۲۰۱۱ میلادی، قانون تفکیک عملیات بانکی و پولی به‌روش سنتی از عملیات پولی و بانکی منطبق با اصول شریعت اسلامی را تصویب و به‌مورد اجرا گذاشته است. هدف از تصویب و اعمال قانون مزبور، حصول اطمینان و شفافیت عملکرد بانک‌های اسلامی در به‌کارگیری اصول شریعت اسلامی در عملیات پولی می‌باشد.

عمان

- لغو ممنوعیت تأمین مالی اسلامی در سال ۲۰۱۱ میلادی با هدف توسعه صنعت تأمین مالی اسلامی در کشور.

امارات متحد عربی

- تأسیس بانک‌های منطقه‌ای به‌وسیله دولت، مانند «بانک اسلامی دوبی» در سال ۱۹۷۵ میلادی، «بانک اسلامی ابوظبی» در سال ۱۹۹۷ میلادی، و «بانک الحلال» در سال ۲۰۰۸ میلادی،
- ادغام بانک دوبی با «بانک اسلامی امارات» در سال ۲۰۱۲ میلادی، و
- برداشتن گام‌های جدید در سال ۲۰۱۳ میلادی برای ایجاد و معرفی شیخ‌نشین دوبی به‌عنوان پایتخت جهانی اقتصاد اسلامی.

عوامل عمده اثرگذار بر رشد صنعت تأمین مالی اسلامی

همانطور که ملاحظه می‌شود محرک‌های گوناگونی بر این موضوع که آیا رشد صنعت تأمین مالی اسلامی با تقاضا تناسب خواهد داشت، تأثیر دارند (شکل ۴).

یکی از عوامل محرک صنعت تأمین مالی اسلامی، عبارت است از تنیدگی موجود بین میزان تقاضا از یک‌سو و محدودیتهای ساختاری این نوع تأمین مالی از سوی دیگر، که ممکن است روند رشد آن را محدود سازد. در همان حال که آمار جمعیت و درخواست‌های ارجح مشتری متمایل به رشد پایدار تقاضاست، مؤلفه‌هایی مانند بهبود نظام راهبری، عملکرد و مقررات، از جمله پیش‌نیازهای ضروری در تحقق ظرفیتهای آن خواهد بود.

به دلیل روند روبه‌رشد جمعیت مسلمان در کشورهای حوزه امریکای جنوبی، آفریقا، آسیا، و خاورمیانه و به‌ویژه در آسیا و آفریقا که در حال حاضر بیش از ۹۵ درصد جمعیت مسلمان جهان را در خود جای داده‌اند (بیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۳۰ میلادی حدود ۳۵ درصد نیز رشد داشته باشند) حجم تقاضا برای استفاده از خدمات مالی اسلامی در حال افزایش است. این درحالیست که هنوز گروه زیادی از ساکنان این کشورها، در زندگی روزمره خود از نظام بانکی استفاده نمی‌کنند

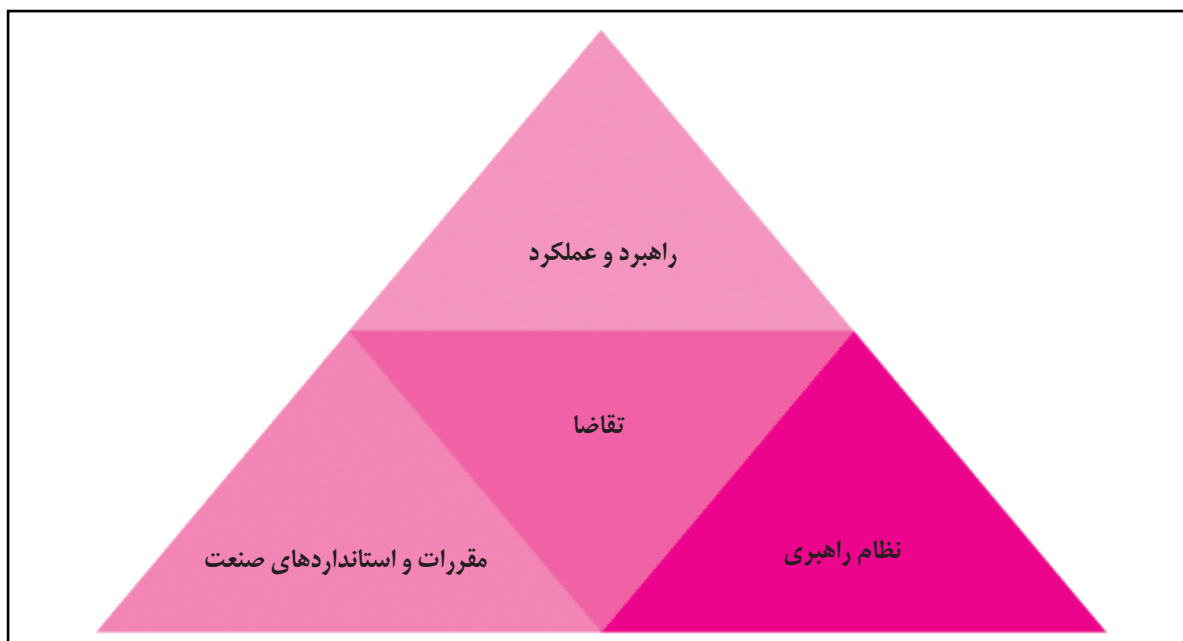
و این احتمال وجود دارد که در آینده جذب الگوهای تأمین مالی اسلامی شوند.

برای این‌که روش تأمین مالی اسلامی بتواند دامنه رقابت و فراگیری خود را گسترش دهد، باید بر بهبود راهبرد و عملکرد خود تمرکز کند. در حال حاضر، به دلیل هزینه‌های سنگین این نوع مؤسسه‌ها برای اداره امور خود، نرخ بازده حقوق صاحبان سهام در بانکهای اسلامی به میزان درخور توجهی از بانکهای سنتی کمتر است.

استقرار نظام راهبری قوی به‌عنوان یکی از عناصر اصلی در حفظ اعتماد لازم به صنعت بانکداری اسلامی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هیئت‌های ناظر بر اصول مالی منطبق بر شریعت و عالمان آشنا به اصول مالی منطبق بر شریعت، باید بر تعداد خود بیفزایند تا تضاد منافع ناشی از برخوردهای بین خود با یک‌گروه کوچک که نظرهایشان در تباین با باورهای آنهاست را از میان بردارند و یا به حداقل ممکن کاهش دهند.

بدون شک بهبود اثربخشی مقررات و استانداردهای صنعت تأمین مالی اسلامی، اعتماد مصرف‌کنندگان، رشد و نوآوری را در این صنعت افزایش خواهد داد. نشان دادن انعطاف‌پذیری فزاینده از سوی مراجع نظارتی خدمات مالی در ارتباط با نحوه رفتار بانکهای اسلامی با سپرده‌های مشتریان خود، نقش مهمی در ترغیب مردم جهت استفاده از محصولات بانکداری اسلامی بازی می‌کند.

شکل ۴- عوامل مؤثر بر رشد



با نیاز آنان، این گروه را نیز جذب نمایند.

لزوم تمرکز بر بهبود راهبردها و عملکرد

بانکهای اسلامی باید به عنوان یک ضرورت بر اصلاح و بهبود راهبردها و عملکرد خود تمرکز کنند تا از این طریق بتوانند به طور مؤثر با رقبای سنتی خود رقابت کنند.

لازم به یادآوری است که ۱۰ درصد مجموع مؤسسه‌های بزرگ مالی، نزدیک به ۴۰ درصد داراییها را در تملک خود دارند و تنها ۲۰ درصد این مؤسسه‌ها از نظر اندازه و عملکرد، در رده بالاتر از حد متوسط قرار می‌گیرند (شکل ۶).

در سالهای اخیر، سودآوری در صنعت بانکداری کشورهای عربی حوزه خلیج فارس با کاهش روبه‌رو بوده است. در سال ۲۰۰۶ میلادی، بازده حقوق صاحبان سهام در مؤسسه‌های مالی با اندازه متوسط و با در اختیار داشتن داراییهای ناخالص معادل ۶/۴ میلیارد دلار، برابر ۲۳ درصد بوده است. اگرچه در سال ۲۰۱۱ میلادی داراییهای ناخالص آنها به رقم ۱۰/۵ میلیارد دلار افزایش یافته، اما بازده حقوق صاحبان سهام پایین آمده و به رقم ۱۰/۴ درصد رسیده است (شکل ۷). البته متوسط بازده حقوق صاحبان سهام در بانکهای اسلامی نیز در سالهای اخیر نسبت به بانکهای سنتی، کاهش چشمگیری داشته است (شکل ۸). در طی دوره مشابه، متوسط هزینه‌ها در بانکهای

تقاضا

انتظار می‌رود در نتیجه رشد جمعیت مسلمانان در کشورهای امریکای جنوبی، افریقا، آسیا و خاورمیانه، تقاضا برای تأمین مالی اسلامی با سرعت بیشتری رشد پیدا کند (شکل ۵).

• پیش‌بینی می‌شود که جمعیت مسلمان جهان تا سال ۲۰۳۰ تا ۳۵ درصد رشد پیدا کند و در نتیجه، تقاضا برای تأمین مالی اسلامی نیز به موازات آن افزایش پیدا کند.

• انتظار می‌رود که میزان تقاضا برای تأمین مالی اسلامی، به‌ویژه در قاره افریقا و آسیا که در حال حاضر بیش از ۹۵ درصد جمعیت مسلمان جهان را دربر دارند، روندی رو به رشد داشته باشد. در این کشورها به لحاظ ظهور طبقه متوسط جامعه، بازار جذابی برای استفاده از محصولات بانکهای اسلامی، سپرده‌گذاری، استقراض، تضامین بانکی و پرداخت وجود دارد.

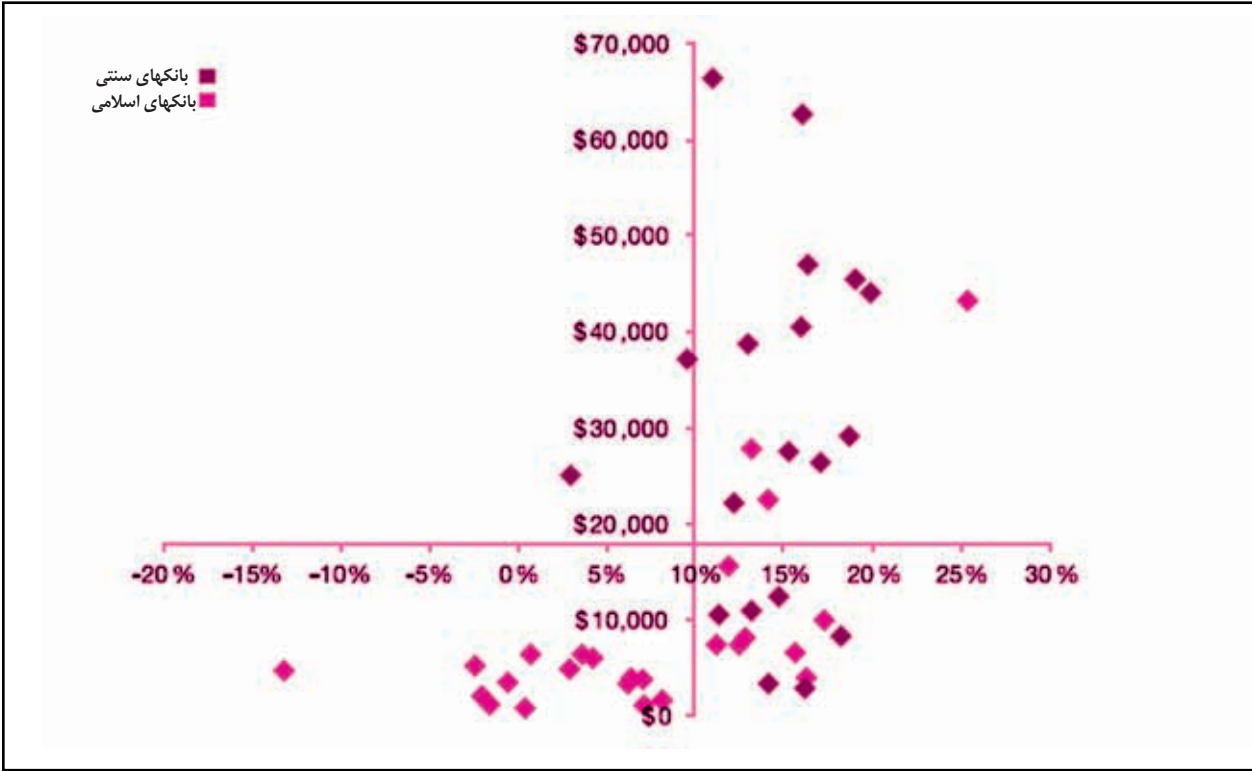
• رشد روزافزون تعداد بانکنشینان، فرصت مغتنمی برای بانکهای اسلامیست تا با ارائه خدمات و محصولات بانکی متناسب با نیاز آنان (از قبیل مدیریت دارایی و وجوه)، این گروه از جامعه را جذب و تقاضاهای جدیدی در بازار خلق کنند. افزون بر این و همانطور که پیشتر اشاره شد، کمکان تعداد زیادی از ساکنان کشورهای یادشده از خدمات بانکی بی‌بهره‌اند که بانکهای اسلامی می‌توانند با ارائه الگوهای بانکی متناسب

شکل ۵- جمعیت اسلامی جهان



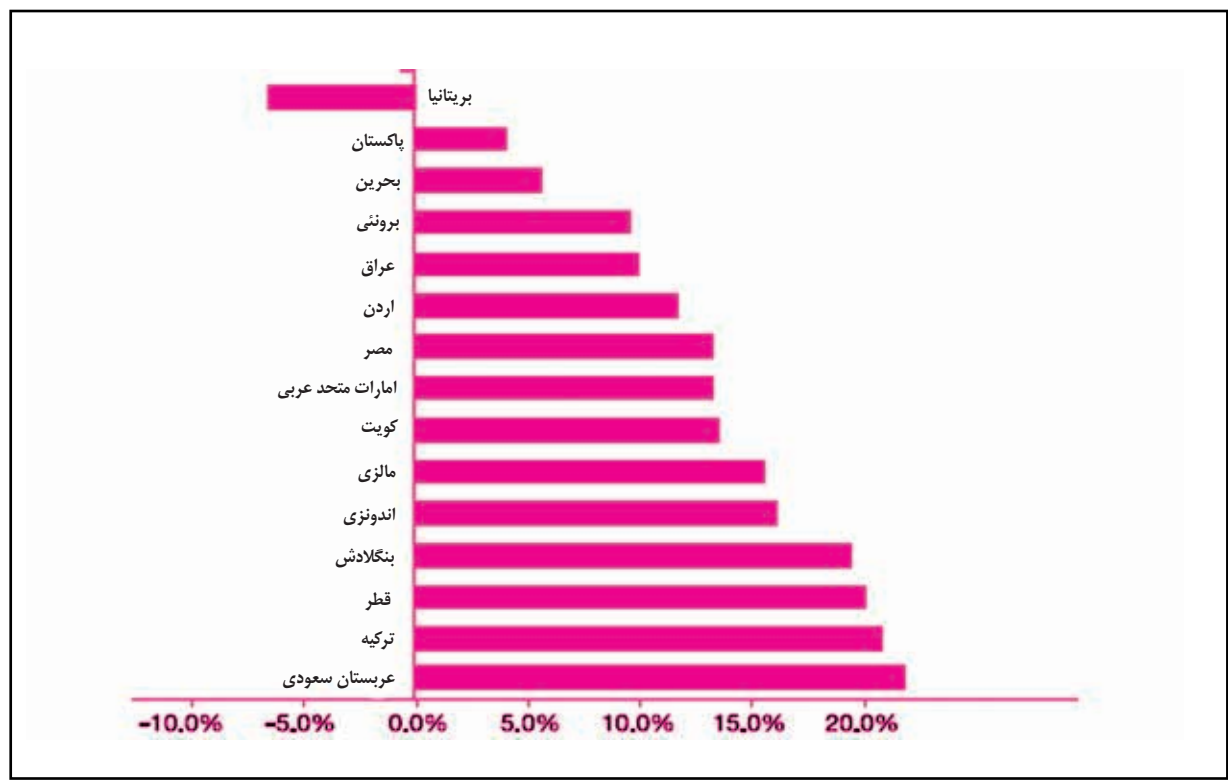
منبع: PwC Analysis

شکل ۶- پراکندگی متوسط داراییها در برابر حقوق صاحبان در بانکهای کشورهای حوزه خلیج فارس



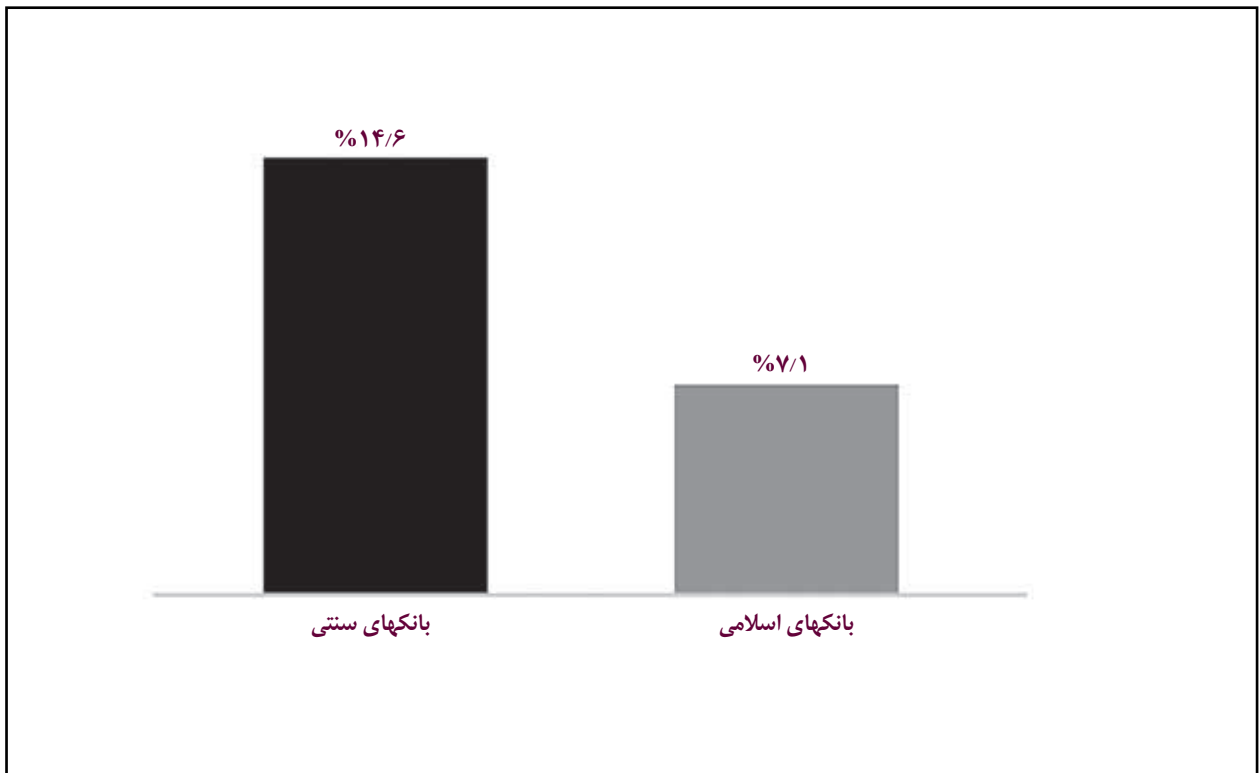
منبع : PwC Analysis

شکل ۷- بانکهای اسلامی، بازارهای اصلی؛ بازده متوسط حقوق صاحبان ۲۰۰۶-۲۰۱۱



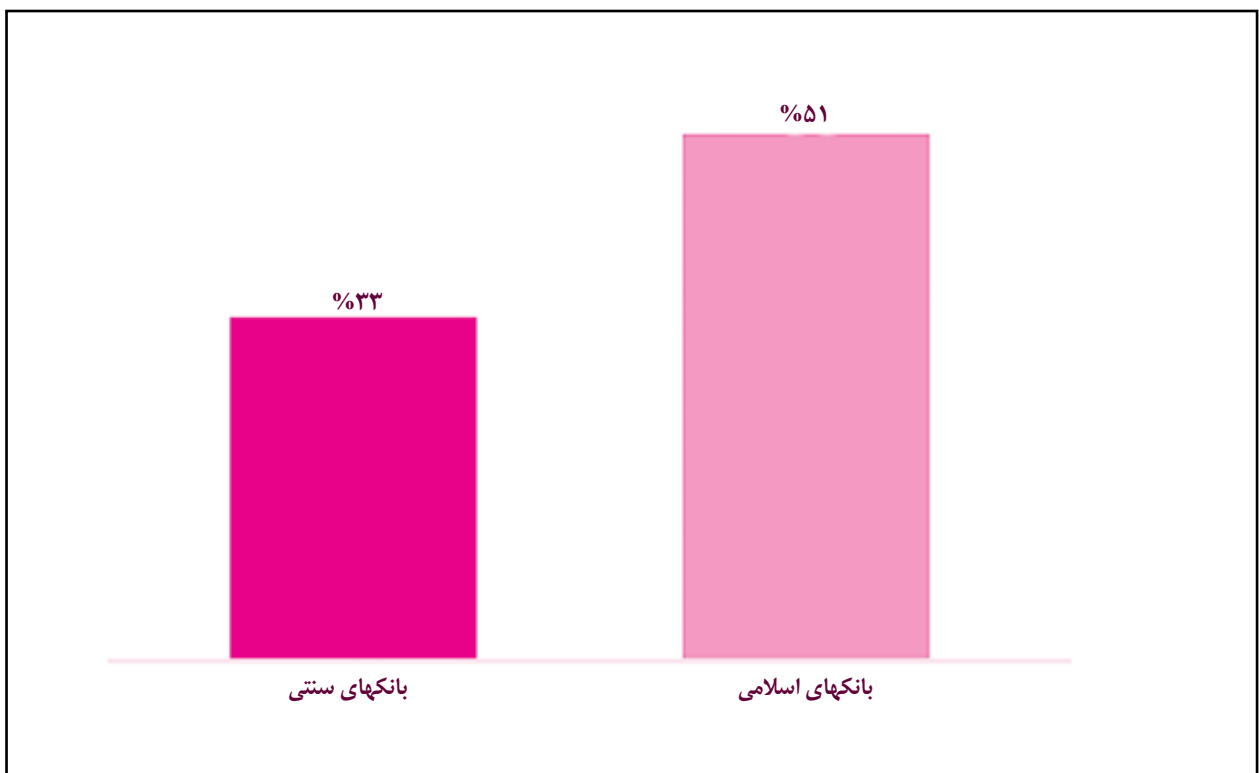
منبع : PwC Analysis

شکل ۸- متوسط بازده حقوق صاحبان در بانکهای عربی منطقه خلیج فارس ۲۰۰۶-۲۰۱۱



منبع : PwC Analysis

شکل ۹- متوسط ۵ ساله هزینه‌ها به درآمد در بانکهای حوزه خلیج فارس ۲۰۰۶-۲۰۱۱



منبع : PwC Analysis

که روش تأمین مالی اسلامی در آنها بیشتر رایج است، کمک می‌کند. مقررات و استانداردهای صنعت برای اعتماد مشتریان، رشد و نوآوری دارای اهمیت می‌باشد.

مراجع و نهادهای مشروح زیر در ارتباط با وضع مقررات حاکم بر تأمین مالی اسلامی فعالیت دارند:

- سازمان خدمات مالی،
 - سازمان خدمات مالی دبی^۳،
 - سازمان اوراق بهادار و کالا^۴ امارات متحد عربی،
 - مرکز پولی عربستان سعودی^۵،
 - بانک مرکزی بحرین،
 - بانک مرکزی قطر،
 - بانک مرکزی کویت، و
 - کمیسیون اوراق بهادار مالزی.
- مراجع زیر متولی تدوین و انتشار استاندارد برای فعالیتهای تأمین مالی اسلامی هستند:
- هیئت خدمات مالی اسلامی^۶،
 - سازمان حسابداری و حسابرسی نهادهای مالی اسلامی^۷،
 - هیئت استانداردهای حسابداری مالزی^۸،
 - شورای عمومی بانکها و نهادهای مالی اسلامی^۹، و
 - بازار بین‌المللی تأمین مالی اسلامی^{۱۰}.

پانوشتها:

- 1- Middle East and North Africa (MENA)
- 2- Shariah Index
- 3- Dubai Financial Services Authority (DFSA)
- 4- Securities & Commodities Authority (SAC)
- 5- Saudi Arabian Monetary Agency (SAMA)
- 6 - Islamic Financial Services Board (IFSB)
- 7- Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions (AAOIFI)
- 8- Malaysian Accounting Standards Board (MASB)
- 9- General Council for Islamic Banks and Financial Institutions
- 10- International Islamic Financial Market

منبع:

- PwC, Islamic Finance; Creating Value, www.pwc.com, 2015

اسلامی به‌میزان درخور توجهی بالا بوده است (شکل ۹). استقرار ساختار مناسب راهبری برای حفظ انسجام و مطلوبیت در تأمین مالی اسلامی، اجتناب‌ناپذیر است:

• حفظ استقلال عملکرد هیئت نظارت بر اجرای اصول مالی مبتنی بر شریعت موجب می‌شود این اطمینان به‌دست آید که تصمیم‌گیری در نظام تأمین مالی در مؤسسه‌های مالی اسلامی، تنها بر اصول شریعت استوار بوده و از استحکام لازم برخوردار است.

• تعداد صاحب‌نظرانی که نظام مالی مبتنی بر اصول شریعت را نمایندگی می‌کنند، بسیار محدودند. بررسی انجام‌شده نشان می‌دهد که تنها ۲۰ درصد از صاحب‌نظران اصول مالی مبتنی بر شریعت، ۶۱۹ مقام را در هیئت‌مدیره‌های مؤسسه‌های مالی اسلامی برعهده داشته‌اند که بیش از نیمی از کل ۱۱۴۱ کرسی موجود بوده است. این وضعیت بحثها و شبهه‌هایی را در زمینه استقلال هیئتها و جانشینی آنان در اذهان عمومی متبادر می‌سازد.

• محدود بودن تعداد صاحب‌نظران مالی مبتنی بر اصول شریعت، مباحث مرتبط با جانشین‌پروری را نیز به میان می‌آورد. ایجاد شوراهای نظارتی مرکزی بر پایه اصول شریعت و همچنین ظهور و به‌صحنه آمدن صاحب‌نظران اسلامی «نسل بعد»، برای پاسخگویی به این مباحث ضروری به‌نظر می‌رسد.

• وجود رویه‌های قضایی در مورد کاربرد قانون تجارت (که بر توافقه‌های میان نهادهای مالی اسلامی با دیگران نیز حاکم است)، تأثیری مثبت بر حل اختلافها دارد. از طرف دیگر، فقدان رویه‌های قضایی در مورد به‌کارگیری اصول مالی مبتنی بر شریعت و تداوم حاکمیت آن بر جنبه‌های عملیاتی نهادهای مالی اسلامی، خطری است برای کم‌اهمیت جلوه دادن سازوکار مورد نیاز برای حل اختلافها.

• نحوه تعامل و سازگاری قانون تجارت با قانون تأمین مالی اسلامی مبتنی بر اصول شریعت، از این پس نیز انسجام و جامعیت معامله‌های مالی اسلامی در ارتباط با حل اختلافها را به چالش می‌کشد.

مقررات و استانداردهای صنعت بانکداری اسلامی

ارتقای میزان اثر بخشی مقررات و استانداردهای صنعت تأمین مالی اسلامی، به توانمندسازی رشد این صنعت در کشورهایی